

اختیار انسان و شب قدر

اگر در شب قدر، مقدرات معین می‌گردد؛ پس تلاش و اختیار انسان چه معنا دارد؟

اینکه می‌گویند: در شب قدر همه مقدرات تقدیر می‌شود؛ بدین معنا است که قالب معین و اندازه خاص هر پدیده، به طور روشن اندازه‌گیری می‌شود. البته این اندازه‌گیری، بر اساس شرایط و موانعی است که پیش می‌آید و با ملاحظه اختیار و قابلیت انسان شکل می‌گیرد.

با توجه به مقدمه یادشده، رابطه شب قدر و تعیین سرنوشت بندگان و کردار اختیاری آنان، روشن می‌شود. قدر؛ یعنی، پیوند و شکل گرفتن هر پدیده و هر حادثه با سلسله علل خود و در شب قدر، این پیوند به دقّت اندازه‌گیری می‌شود؛ یعنی: اولًا، برای امام هر زمان این پیوند معلوم و تفسیر می‌شود. ثانیاً، رابطه این پدیده‌ها با علل خود روشن می‌گردد.

از یک سو خداوند متعال، بر اساس نظام حکیمانه جهان، چنان مقدّر کرده است که بین اشیاء، رابطه‌ای خاص برقرار باشد. برای مثال بین عزت و دفاع از کیان و ذلت و پذیرش ستم ... هر کس از کیان خود دفاع کند، عزیز می‌شود و هر کس تسلیم زور و ستم شود، ذلیل می‌گردد! این تقدیر الهی است. مثال دیگر اینکه بین طول عمر و رعایت بهداشت و ترک بعضی از گناهان (مثل قطع صله رحم و دادن صدقه)، رابطه وجود دارد. بر این اساس هر کس طول عمر می‌خواهد، باید در این قالب قرار گیرد.

آن که این شرایط را مهیا کرد، طول عمر می‌باید و آن که در این امور کوتاهی کرد، عمرش کوتاه می‌گردد. پس در افعال و کردار اختیاری بین عمل و نتیجه - که همان تقدیر الهی است - رابطه مستقیم وجود دارد.

انسان تا زنده است، جاده‌ای دو طرفه در برآبرش قرار دارد: یا با حسن اختیار، کمیل بن زیاد نخعی می‌گردد و یا با سوء اختیار حارت بن زیاد نخعی، قاتل فرزندان مسلم می‌شود؛ دو برادر از یک پدر و مادر: یکی سعید و دیگری شقی.

پس تقدیر الهی؛ یعنی، آن که با حسن اختیار خود به جاده مستقیم رفت، کمیل می‌شود و آن که با سوء اختیار خود، به بیراهه گکاه و انحراف پا گذاشت، حارت می‌گردد.

از سوی دیگر در شب قدر، معین می‌شود که هر انسان، بر اساس انتخاب و اختیار خود، کدام راه را انتخاب خواهد کرد و با توجه به دعاها، راز و نیازها و تصمیم‌ها، قابلیت چه نعمت‌ها و یا حوادثی را خواهد داشت.

پس بین تقدیر الهی و اختیار آدمی، هیچ منافاتی وجود ندارد؛ زیرا در سلسله علل و شرایط به ثمر رسیدن کار و ایجاد حادثه، اراده آدمی یکی از علل و اسباب است.

آن‌که با حسن اختیار خود، کردار نیک انجام می‌دهد یا مخلصانه دعایی می‌خواند، نتیجه آن را در این جهان می‌بیند و آن‌که بر اثر سوء اختیار گناهی مرتکب می‌شود، نتیجه تلخ آن را می‌چشد.

پس اینکه در شب قدر، امور بندگان - اعم از مرگ و زندگی، ولادت و زیارت و ... - تقدیر می‌شود، همگی با حفظ علل و شرایط و عدم موانع است و «اختیار» یکی از علت‌ها و شرایط آن به شمار می‌آید. به این جهت سفارش شده، در آن شب به شب زنده داری و عبادت و دعا پردازید، تا این عمل در آن شب خاص - که از هزار شب برتر است - شرایط نزول فیض الهی را فراهم آورد.

نکته آخر اینکه خداوند می‌داند، هر چیزی در زمان و مکان خاص، به چه صورت و با توجه به کدام شرایط و علل تحقق می‌یابد و می‌داند که فلان انسان با اختیار خود، کدام کار را انجام می‌دهد. فعل اختیاری انسان، متعلق علم خداوند است که در شب قدر، حدود آن مشخص می‌شود. این امر با اختیار منافات ندارد و حتی بر آن تأکید می‌کند؛ برای مثال معلم کاردان و مجرب، به خوبی می‌داند کدام یک از دانش‌آموزانش، به دلیل تلاش فردی و استعداد لازم، با رتبه بالا قبول می‌شود و کدام یک به دلیل تلاش یا استعداد کمتر، در حد متوسط نمره می‌آورد و یا تجدید می‌شود. علم معلم، از راه دانش او به علت‌ها است و نفی کننده تلاش دانش‌آموزان نیست. در شب قدر همه کردار اختیاری انسان، اندازه‌گیری و قالب بندی می‌شود. خدای عالم به علت‌ها، بر اساس نظم موجود در میان اشیای این جهان، برنامه‌ریزی می‌کند و «اختیار» انسان یکی از علت‌های مؤثر است. از این جهت تأکید شده است: شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان را به عبادت،

دعا و شب‌زنده‌داری مشغول باشیم، تا این اعمال خیر، زمینه آمادگی و توان برتر ما شود و بتوانیم فیض الهی را درک کنیم. اگر عنصر اختیار در میان نبود و هر چه ما می‌کردیم در سرنوشت ما تأثیر نداشت، هیچ دلیلی بر این همه تأکید بر شب‌زنده‌داری و عبادت نبود.

اعمال شب قدر

برای شب قدر و انجام دادن بکترین کارها، چه توصیه عملی دارید؟

یک. توجه به اهمیت شب قدر

خداآوند متعال در قرآن مجید، خطاب به رسول گرامی اسلام درباره ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم؛ ولی تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ در فضیلت شب قدر همین بس که با فضیلت‌تر از هزار ماه است» و این تشییه، حاکی از برابری؛ بلکه برتری یک شب با یک عمر است و خود عدد هزار، نشان از کثرت و مبالغه در عظمت و شأن دارد.

در شب قدر، سرنوشت انسان رقم زده می‌شود^۱ و اگر کسی این را بداند، مراقبت بیشتری در استفاده صحیح از این فرصت گران‌ها خواهد کرد.

دو. توبه

از بکترین کارها در این شب، توبه است؛ اگرچه توبه همیشه پسندیده است.

خداآوند متعال با صراحة می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»^۲؛ «همانا خداوند توبه کاران را دوست دارد».^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آدمیان خطا می‌کنند و بکترین خطاکاران توبه کنندگان‌اند».^۴

^۱ (۱). بر اساس آیات ۱-۵ سوره «قدر» و آیه ۳ «دحان» و نیز روایات متعدد.

^۲ (۲). بقره (۲)، آیه ۲۲۲.

^۳ (۳). میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳۷، ح ۲۱۲۰.

شهید مطهری درباره ماه مبارک رمضان می‌گوید: «به خدا قسم! یک روز (ماه رمضان) یک روز است، یک ساعتش یک ساعت است. یک شب را اگر به تأخیر بیندازیم، اشتباه می‌کنیم! نگویید فردا شب، شب بیست و سوم ماه رمضان است.

یکی از شب‌های قدر است و برای توبه بکتر است! نه، همین امشب از فردا شب، بکتر است. همین ساعت از یک ساعت بعد بکتر است. هر لحظه از لحظه بعدش بکتر است. عبادت بدون توبه قبول نیست، اول باید توبه کرد. گفت: شست و شوی کن و آن گه به خرابات خرام».^۴

توبه مراحلی و منازلی دارد و اولین قدم آن، «پیشمانی از کارهای نادرست گذشته» است؛ به طوری که نخواهد به آن راه برگرد و از اینکه رفتارهای گذشته را تکرار کند، تنفر داشته باشد.

حضرت حق می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا»^۵. توبه نصوح؛ یعنی، توبه‌ای بدون بازگشت به گذشته.

سه. دعا

بنده‌ای که از بیراهه به راه و از گمراهی به نور راه یافته و به متول یار رسیده است؛ شایسته است که او را صدا بزند و با او ارتباط برقرار کند. «دعا» ارتباط با خداوند است و ذکرها و تسبيحات و مناجات‌ها شرح حال نیازمند درگاه خدا و شيفته گفت و گو با پروردگار است. دعا اگر بیان حال نباشد، دعا نیست.^۶ زندگی به گونه‌ای است که خواه ناخواه، توجه انسان را به امور مادی جلب می‌کند؛ اما انسان برای تقریب به خدا آفریده شده است و باید از تمام جوانب زندگی، برای نیل به این مقصود بفرمود. یکی از بکترین راه‌ها برای این منظور، آن است که هر روز، لحظاتی از عمر خود را صرف توجه خالص به بارگاه الهی کند.

^۴ (۴). تحریر (۶۶)، آیه ۸.

^۵ (۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: محمد تقی، مصباح یزدی، بر درگاه دوست، صص ۱۸-۲۲.

«حقیقت دعا»، توجه به بارگاه حضرت معبود است و برای مؤمنان نوعی معراج روحی و معنوی به حساب می‌آید. دعا تنها بر زبان آوردن پاره‌ای کلمات نیست.

حقیقت و روح دعا، توجه قلیی انسان به خداوند توانا و مهربان است و کارآیی این توجه، به میزان معرفت و محبت انسان به خداوند بستگی دارد.

حقیقت دعا، چیزی جز عبادت نیست و حتی به دلیل توجه بیشتر به خداوند در آن، شاید بر بسیاری از اعمال دیگر ترجیح داشته باشد. در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «الدُّعَاءُ مُخْرُجُ الْعِبَادَةِ»^۶؛ «دعا به متله مغز عبادت است».

کسی که دست خویش را به درگاه الهی بالا می‌برد، پیشانی بر خاک می‌ساید، اشک از دیدگان سرازیر می‌کند، با دعای خود از او حاجت می‌خواهد، نهایت شکستگی و عجز خود را نشان می‌دهد و در واقع، اعتراف به بندگی و اعلام تسليم در برابر اراده و فرمان خداوند است.

پس حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست؛ بلکه بالاترین عبادت و به تعبیر حدیث شریف «مغز» تمام عبادات است.

چهار. استغفار

حداقل یکصد استغفار در شب‌های قدر وارد شده است.^۷

پنج. تلاوت قرآن

از آنجایی که شب قدر، شب نزول قرآن است، بکترین عهدهنامه با پروردگار، تلاوت قرآن کریم است. از این رو خواندن با تأمل و تدبیر در همه اوقات- به خصوص چنین شب‌هایی- بسیار مناسب است.

^۶ (۲). محمد باقر مجلسی، بخار الانوار، ج ۹۳، باب ۱۴، ص ۳۰۰، روایت ۳۷.

^۷ (۳). مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۴.

خداؤند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۸؛ «هر چه از قرآن میسر می‌شود، بخوانید».».

شش. شب زنده‌داری

تمام این برکات و فیض‌ها، در پرتو شب زنده‌داری و احیای شب قدر، قابل دستیابی است؛ به ویژه اگر در مسجد به میزان خدا و در میان دیگر بندگان پاک خداوند انجام گیرد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که در شب قدر احیا کند، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ اگر چه به عدد ستارگان آسمان باشد».^۹

هفتم. معرفت‌یابی و خودشناسی

پس از غنیمت شمردن فرصت‌ها و بازنگری در افکار و اعمال خود و عزم جدی بر ترک گناهان و ... دل‌ها، آماده شناخت هر چه بیشتر و دریافت‌های شهودی می‌گردد. چه اینکه:

یکم. به فرموده امام علی علیه السلام: معرفت، مایه نورانیت دل^{۱۱}، باعث رسیدن انسان به مقام رستگاری و مقام قدسی^{۱۲} و دلیل بر فضیلت انسان^{۱۳} است و اولین و مهم‌ترین رکن ایمان، شناخت خداوند است.^{۱۴}

دوم. در بین معارف، والاترین آنها، شناخت خداوند سبحان است.^{۱۵} سوم. شناخت حقیقی خدا، انسان را به مقام شامخ خلافت الهی نایل می‌کند؛ آن چنان که مظهر اسمای او می‌گردد.

^۸ (۱). «المعرفة برهان الفضل»: غرر الحكم.

^۹ (۲). «الإيمان معرفة بالقلب»: غرر الحكم. «أفضلكم إيماناً أفضلكم معرفة»: بخار الانوار، ج ۳، ص ۱۴.

^{۱۰} (۳). در رابطه با اعمال شب‌های قدر به کتاب شریف مفاتیح الجنان مراجعه کنید.

^{۱۱} (۴). «المعرفة نور القلب»: غرر الحكم.

^{۱۲} (۵). «المعرفة الغور بالقدس»: غرر الحكم.

^{۱۳} (۶). «المعرفة برهان الفضل»: غرر الحكم.

^{۱۴} (۷). «الإيمان معرفة بالقلب»: غرر الحكم «أفضلكم إيماناً أفضلكم معرفة»: بخار الانوار، ج ۳، ص ۱۴.

^{۱۵} (۱). علی علیه السلام: «معرفة الله سبحانه اعلى المعرف»: غرر الحكم. « جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه و آله قال: ما رأس العلم؟ قال: معرفة الله حق معرفته. قال: و ما حق معرفته؟ قال: أن تعرفه بلا مثل و لا شبه و تعرفه الهما واحداً خالقاً قادراً، أولًا و آخرًا، و ظاهراً و باطنًا، لا كفولة، و لا مثل له، فذاك معرفة الله حق معرفته»: بخار الانوار، ج ۳، ص ۱۴.

البته خودشناسی، مقدمه چنین معرفتی است «من عرف نفسه فقد عرف ریه»^{۱۶} و اگر کسی خودش را نشناسد - که از کجا آمده و برای چه آمده است و به کجا خواهد رفت - چگونه ممکن است خدا را بشناسد.^{۱۷} در بعضی از روایات آمده است: «خودشناسی، سودمندترین معارف است»^{۱۸}; این بدان جهت است که شخص مراقب خود خواهد بود و زندگی خود را بر مبنای صحیحی استوار و برای نیل به سعادت بزرگ برنامه‌ریزی خواهد کرد.

تکیه و تنظیم:

مدیریت فرهنگی آموزشکده فنی و حرفه ای سما

^{۱۶} (۲). غررالحكم.

^{۱۷} (۳). «عجیت ملن بجهل نفسه کیف یعرف ریه»: غررالحكم.

^{۱۸} (۴). «معرفة النفس انفع المعارف»: غررالحكم.